

- نشر سرائی
- مجموعه جامعه و سیاست - ۴

# نقد فرهنگ خشونت

احمد قابل

## فهرست

۷	مقدمه .....
۱۱	حضرت آیه‌الله از چه نگرانید! .....
۲۱	چرا دعوت به قانون‌گریزی؟ .....
۲۷	وحدت و خودپسندی .....
۳۵	نسبت‌های ناروا .....
۳۸	قانونگذار وجود دادگاه ویژه را ضروری ندانسته است .....
۴۵	دیدگاه‌هایی پیرامون نقد فرهنگ خشونت، اجازه .....
۶۴	اصلاح وزارت اطلاعات و چند نکته .....
۶۶	همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم .....
۷۱	در خصوص توضیحات دادگاه ویژه روحانیت .....
۷۵	حق مؤمن .....
۷۹	خشونت‌ورزی ضد دین است .....
۸۲	لزوم تعریف جرم سیاسی .....
۸۵	زندادان و زندگی .....
۸۸	چه کسی متخصص است؟ .....
۹۱	بحث ارتداد .....
۹۵	دستگاه قضایی و لزوم بی‌طرفی و مدارا .....
۹۸	دین رحمت و محبت نه مسلک خشونت .....
۱۰۴	انعام تأیید کننده اسلام است .....

## حضرت آیه‌الله از چه نگرانید!

توس، ۱۳۷۵

محضر مبارک آیه‌الله مهدوی کنی سلمه الله تعالی  
السلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

چندی است که جامعه ما شاهد اظهار نگرانی و گلایه و یا تهدیدهایی است که گاه و بیگاه از سوی آن بزرگوار صادر گردیده و همگان را به فکر وامی‌دارد. بازتاب سخنان شما و نحوه استدلال و کلمات و جملات به کار گرفته شده برای طلبه‌ای مثل من قابل بررسی بوده و ساعت‌ها به آن فکر کرده‌ام. برخی از اندیشمندان کشور با استقبال از بیانات حضرت تعالی توضیحاتی به آن افزوده و مصادیقی را برای مخاطبین خویش برمی‌شمردند و دیگرانی احساس نگرانی متقابل کرده و به پاسخگویی و رد اتهام از خویش می‌پرداختند. من هم به نوبه خود مطالبی را دریافته‌ام که تذکر آن شاید مفید فایده‌ای باشد «فَإِنَّ الذُّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ».

۱. «دفاع از روحانیت» یکی از عمده‌ترین مفاهیم مورد نظر حضرت تعالی بوده و هست و خواهد بود و در این جهت، از اینکه با روحانیت مبارز تهران به عنوان یک جمعیت یا حزب سیاسی برخورد شود همیشه پرهیز داشته‌اید و در مقام دفاع از نظریه خود فرموده‌اید «روحانیت مثل پدری برای جامعه است». بنا به بیان امیرالمؤمنین (ع) «لِكُلِّ قَوْلٍ جَوَابٌ».

اقتضای این داعیه این است که چون پدر یک خانواده بر تمامی اعمال فرزندان خویش مهربانانه نظارت کنید و با لطف و رحمت، ایشان را از

تجارب خویش بهره‌مند سازید. در مقابل تفاوت‌های کم و زیاد ایشان دچار عدم تعادل در محبت و مهرورزی نگردیده و حقیقتاً طفل خاطی خویش را دوست بدارید. سرّ او را فاش نکنید و بین فرزندان حتی الامکان فرق نگذارید و الا حسادت ایشان را نسبت به یکدیگر مشتعل ساخته و مدیریت خانواده دچار تزلزل می‌گردد. به یاد آورید که بانیان شریعت بین نوشته و دستخط امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرق نگذاشتند و داوری نکردند تا کسی آزرده خاطر نشود.

راه رسیدن به منصب پدری جامعه، عدم طرفداری علنی در صحنه‌های رقابت از برخی فرزندان علیه دیگر فرزندان بود که با کمال تأسف از ابتدای انقلاب برخلاف آن عمل گردید.

روحانیت باید با هدایت مردم به سوی ملاکها و پرهیز از جانبداری‌ها، منصب پدری امت را پاس می‌داشتند که اکثریت آنان چنین نکردند و تلخ‌تر آنکه به نفی و موضع‌گیری علنی علیه دیگر فرزندان برخاستند و آنان را از خویش رانده و مردم را علیه ایشان برانگیخته و این روش همچنان ادامه دارد. در وصف پیامبر که پدر امت بود به نقل از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُقَسِّمُ لِحَفَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ، يَنْظُرُ إِلَى ذَاوِ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوِيَّةِ»<sup>۱</sup> - روش پیامبر اسلام به گونه‌ای بود که وقت خود را بین اصحابش تقسیم می‌کرد و به همگان به‌طور مساوی می‌نگریست.

نیم‌نگاهی به دوره قبل از پیروزی انقلاب، استواری نقش پدرانه روحانیت را پیش چشم می‌آورد. چه شد که این نسبت پابرجا نماند؟ یقیناً بر شما پوشیده نیست که رقابت با ابناء امت در کسب و تصدی مقام، یکی از اسباب و علل این ناپایداری بوده و خواهد بود. در لسان معصومین (ع) هم به این معنی اشاره بلکه تصریح شده است.

عملکردهای جانبدارانه، عده‌ای از فرزندان روحانیت را در مسیری